

دکتر یوسف متولی حقیقی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

[Motavali.haghighi.yosef@gmail.com](mailto:Motavali.haghighi.yosef@gmail.com)

## بررسی بازتاب برخی از وقایع تاریخی و اجتماعی در موسیقی مقامی قوچان

### چکیده

هنر موسیقی که به جرات می‌توان آن را یکی از شاخص‌ترین شناسه‌های فرهنگی مردمان یک منطقه معرفی کرد در قوچان جایگاهی بزرگ و ریشه‌ای سترگ دارد این سرزمین که در درازنای تاریخ محل حضور و عبور اقوام و طوایف گوناگونی از قبیل تات‌ها، کردها، ترک‌ها و ترکمن‌ها بوده یکی از غنی‌ترین مناطق موسیقایی ایران زمین شمرده می‌شود. این موسیقی برآیند همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف ساکن در مناطق شمال شرقی ایران بوده و امروزه تحت عنوان «موسیقی مقامی شمال خراسان» آوازه دارد. با بررسی ابعاد مختلف این هنر اصیل می‌توان گوشه‌های ناشناخته‌ی زندگانی مردم این منطقه را- که از نظر منابع مکتوب به ویژه در زمینه‌های تمدنی و فرهنگی بسیار کم بضاعت است- روشن ساخت. علاوه بر این، مطالعه و تحقیق در موسیقی مقامی قوچان می‌تواند راهگشای مطالعات مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناسی باشد. یکی از جنبه‌های این مطالعه و تحقیق، بررسی بازتاب تاریخ در نواها و آهنگ‌های مختلف موسیقی محلی قوچان است که موضوع مورد توجه در مقاله‌ی حاضر است. در این نوشتار تلاش می‌شود تا برخی زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی و در مجموع فلسفه‌ی پیدایی بعضی از مقام‌ها و آهنگ‌های موسیقی مقامی قوچان از قبیل: گرایلی، درگز، الله مزاره، رشید خان، لی یاری، شجاع‌الدوله (سر کار جان)، پری جان، مرجان دختر کرد، سردار عوض خان و... مورد توجه قرار گیرد. روش تحقیق در این نوشتار بر مبنای روش کتابخانه‌ای و نیز تحقیقات میدانی و استفاده از تاریخ شفاهی می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** قوچان، هنر، تاریخ، موسیقی مقامی، آهنگ‌ها و نواها.

## درآمد

هنر را شرافت و اصالت بخشیدن به ماده دانسته‌اند<sup>۱</sup> و کسانی چون شوپنهاور فیلسوف بزرگ اروپایی آن را به اجزایی چون: معماری، نقاشی، شعر و موسیقی تقسیم کرده‌اند<sup>۲</sup>. در میان این شاخه‌ها، هنر، موسیقی را می‌توان «تاج هنر» نامید، چون زبان روح است و عمیق‌ترین معارف بشری را در زمانی بیان می‌کند که عقل نمی‌فهمد ولی تشخیص می‌دهد و لذت می‌برد. در میان موسیقی ملل، موسیقی ایرانی که از سرچشمه‌ی فیاض و لایزال ادب و عرفان اقوام مختلف ایران سرچشمه می‌گیرد یکی از گیراترین موسیقی‌های جهان است. موسیقی ملی ایران، همچون ادبیات عرفانی این سرزمین، سمبلیک و نمادین است و از این رو پیچیده و دارای فهم دشوار است. رنج و تعب فراوان می‌طلبد تا شخصی به رمز و راز آن پی ببرد و لذت خلسه‌گون آن را دریابد<sup>۳</sup>. موسیقی ملی ایران خود برآیند موسیقی مناطق و نواحی مختلف است. موسیقی نواحی مختلف ایران به رغم تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و قومی ساکنان ایران زمین، زنجیروار به هم مرتبط هستند<sup>۴</sup>. قدر مسلم بدون مطالعه و پژوهش و در نتیجه شناخت موسیقی مناطق و نواحی ایران نمی‌توان نگرشی همه‌سویه و فراگیر در مورد موسیقی ملی ایران ارائه کرد.

موسیقی مقامی و محلی شهرستان قوچان در زمره این موسیقی‌هاست. موسیقی مقامی شمال خراسان که موسیقی قوچان نیز بخشی از آن است، در سال‌های اخیر به عنوان یکی از میراث‌های معنوی ایران در سازمان یونسکو به ثبت رسیده است<sup>۵</sup>. این موسیقی از غنی‌ترین محتواها برخوردار است. سخن‌گفتن پیرامون موسیقی محلی قوچان با توجه به وجود اقوام و طوایف گوناگون در حوزه جغرافیایی آن چندان آسان نیست. این موسیقی که برآیند زندگی مسالمت‌آمیز اقوام مختلف ساکن قوچان همچون تات‌ها، کردها، ترک‌ها و حتی ترکمن‌هاست، از اصیل‌ترین بخش‌های موسیقی ملی ایران شمرده می‌شود. این

گروه‌های جمعیتی که هر کدام زبان، سنت‌ها و موسیقی خاص خود را دارند و در مجموع نوعی از موسیقی منطقه‌ای را به وجود آورده‌اند که تحت عنوان موسیقی مقامی شمال خراسان آوازه دارد. نوازندگان و خوانندگان شمال خراسان که شامل سه گروه بخشی‌ها، عاشق‌ها و لوطی‌ها می‌شوند<sup>۶</sup> با نواختن سازهایی چون دوتار، کمانچه، قوشمه، نی، دهل و سرنا آه درونی خود را از تهاجمات و غارت‌ها، ظلم‌ها و ستم‌ها، خشم طبیعت و نیز لحظه‌های شیرین اما کم مردم سرزمین خود نشان می‌دهند. در این سرزمین هر گاه حادثه-ای طبیعی، هجومی وحشیانه و یا رویدادی تاریخی روی داده و یا شعله‌های عشق مجازی و عرفانی و یا دنیایی فروزان شده، متناسب با آن آهنگی و تصنیفی و شعری رویش یافته است. اگر آفت به جان گوسفندان افتاده آهنگ‌هایی چون «لاله زار» و اگر دشمن حمله کرده، آهنگ‌هایی مانند «الله مزاره» شکل گرفته‌اند. شعله‌های عشق مجازی شبانی همراه با گفتگوهای او با سگ وفادارش «بویناق». مقام «لو» از قدیمی‌ترین مقام‌های موسیقی کرمانجی شمال خراسان را که از آن تحت عنوان فریاد کوهستان هم یاد می‌شود، شکل داده و حرکت عاشق‌ترین پرنده‌ی خراسان شمالی- تورغه- در رسیدن به معشوق که همان ذات الهی باشد، آهنگ عرفانی «تورغه» را به وجود آورده است.

به رغم گستردگی فرهنگ موسیقایی خراسان شمالی و- از آن میان قوچان- به جز برخی گردآوری‌ها و مقالات مختصر هنوز مطالعه‌ای در خور این هنر که به سرعت رو به زوال است، انجام نیافته و امید است که کسانی که دغدغه حفظ این هنر ملی را دارند- هنوز که یاد آخرین بخشی‌ها و عاشق‌ها از ذهن مردم خارج نشده- برای حفظ و اشاعه‌ی آن چاره‌ای بیندیشند.

موسیقی مقامی قوچان دربرگیرنده‌ی دهها مقام و صدها آهنگ است. از میان این مقام‌ها و آهنگ‌ها تعداد محدودی با عناوین و اسامی مشترک مشهورند و بقیه با توجه به

سلايق بخشى‌ها و نوازندگان و نيز متناسب با كلامى كه همراه آنها خوانده مى‌شود تحت عناوين مختلف در تاريخ نانوشته‌ى موسيقيايى قوچان مطرح هستند. از مهم‌ترين مقام‌هاى موسيقي قوچان مى‌توان به مقام‌هاى چون لو، نوايى، شاه ختايى، نالش، تجنيس، جبار، گرايلى، تورغه، بلبل و كوراوغلى اشاره كرد. اگرچه واژه مقام در شمال خراسان، معمولاً مترادف با آهنگ به كار مى‌رود<sup>۷</sup> و گروهى از پژوهشگران آن را الگو و زمينه‌ى موسيقي ناميده‌اند<sup>۸</sup>، اما ميان آهنگ و مقام تفاوت‌هاى وجود دارد. از منظر روان شادان حاج حسين يگانه و حاج قربان سليمانى، مقام به آن دسته از آهنگ‌هاى شمال خراسان گفته مى‌شود كه گسترده‌تر و پيچيده‌تر هستند و از چندين شاخه تشكيل شده و علاوه بر شاخه‌ها، داراي برگ، ميوه و ريشه نيز هستند. از نظر اين دو بخشى قوچانى مهم‌ترين مقام‌هاى رايج در منطقه قوچان و شمال خراسان عبارتند از نوايى، تجنيس (قيامت)، گرايلى، شاختايى و بلبل كه هر کدام از قسمت‌ها و شاخه‌هاى متعدد تشكيل شده‌اند. در ميان اين مقام‌ها، نوايى گسترده‌ترين مقام است. بخشى‌هاى قوچان و شمال خراسان براى شروع كار نخست آهنگ نوايى را مى‌نوازند و مهارت و چيرگى خود را در نواختن دوتار نشان مى‌دهند. آنان سپس سراغ تجنيس كه يكي ديگر از پيچيده‌ترين مقامات است - و بخشى‌ها آن را در مقام حريف كش ناميده‌اند - مى‌روند<sup>۹</sup>. به جز از مقام‌هاى ياد شده در بالا كه آنها را «شاه مقام» مى‌خوانند، بخشى‌ها مقام‌هاى چون شاه ختايى را كه معمولاً با كلام‌هاى پند و اندرز گونه همراه است، اجرا مى‌كنند. از ساير مقام‌هاى موسيقي شمال خراسان به مقام‌هاى چون انجدمه و جوينى مى‌توان اشاره كرد<sup>۱۰</sup>. در مجموع از مقام‌ها براى بيان اندیشه‌ها و داستان‌هاى مذهبي و عرفانى و نيز پند و اندرز استفاده مى‌شود.

آهنگ‌ها برخلاف مقام‌ها از پيچيدگى برخوردار نيستند و معمولاً کوتاه هستند.

آهنگ‌ها در درون خود به آهنگ‌هاى حماسى، عرفانى، عاشقانه، رزمى و بزمى و نيز

آهنگ‌های رقص تقسیم می‌شوند. از معروف‌ترین آهنگ‌های موسیقیایی قوچان می‌توان به آهنگ‌هایی چون: های‌های رشید خان، سردار عیوض خان، الله مزاره، درنا، لاله زار، هرابی، خجه لوره، پری جان، لی یاره، خان جانو (خان کلمیشی)، الله خاده، سر کار جان (شجاع الدوله)، درگز، پری جان، مرجان دختر کرد، فاطمه جان، هی لوشوان، ننه گل محمد، ننه خانم، کرم اصل خان، زهره و طاهر، سکینه، گلن دیت مام، ارمانه سیسه، گل لمن، عیب ایتمه گین، مجموعه آهنگ‌های ابداعی شادروان اسماعیل ستارزاده‌ی قوچانی، هی لوهی لو گل شروانی، مراد چلاق، قره دله، آت پاچان و از آهنگ‌های رقص به آهنگ‌هایی از قبیل هنگ بگان، یک قرصه دو قرصه، انارکی (حاجی نارنجی)، چپه راسته، شلنگی، بشکن بشکن، قالدله قالدله و شش قرصه اشاره کرد.

با توجه به این مقدمه ذیلاً تلاش می‌شود تا زمینه تاریخی و اجتماعی و فلسفه‌ی

پیدایی برخی از مقام‌ها و آهنگ‌های موسیقی مقامی قوچان مورد توجه قرار بگیرد.

### ۱- آهنگ شجاع الدوله (سر کار جان)

امیرحسین خان شجاع‌الدوله که در سال ۱۲۸۴ هـ.ق از طرف ناصرالدین شاه قاجار به ایلخانی ایل زعفرانلو و حکومت قوچان منصوب شده بود یکی از مقتدرترین خوانین خراسان به ویژه در ارتباط با جلوگیری از حملات ترکمانان به شمال خراسان شمرده می‌شد. وی به جای سیاست تدافعی، سیاست تهاجمی را در برابر ترکمانان در پیش گرفت. در یکی از این حملات، کردهای تحت امر شجاع‌الدوله در حوالی عشق‌آباد بعد از درگیری با ترکمانان، ضمن شکست دادن آن‌ها گروهی را نیز به اسارت گرفتند. شجاع‌الدوله دستور داد تا به انتقام خون عده‌ای از مردم قوچان که قبلاً در حملات ترکمن‌ها کشته شده بودند، این اسیران را گردن بزنند. در میان اسرا فردی گریه‌کنان و التماس‌کنان از شجاع‌الدوله خواست که او را به خاطر هنرش که در زمره‌ی بخشیان ترکمن بوده نکشند. وی به

خان قوچان یادآور شد که علاقه‌ای به شرکت در جنگ نداشته اما فرمانده ترکمانان او را مجبور کرده که در جنگ شرکت کند و در مواقع لازم برای او دو تار بنوازد. امیرحسین خان شجاع‌الدوله که خود شاعر و موسیقیدان بود و برای هنرمندان حرمتی خاص قائل بود به شرطی از خون بخشی ترکمن گذشت که او بتواند آهنگی مورد قبول برایش بنوازد و در غیر این صورت همچون بقیه اسیران خود را آماده مرگ کند. هنرمند ترکمن که مرگ را نزدیک می‌دید تمام هنر خود را به کار برد و هر هنری داشت بر سر پنجه‌هایش جاری کرد تا رضایت خان قوچان را جلب کند اما خان قوچان هیچ یک از آهنگ‌هایش را نپسندید و فرمان قتل بخشی ترکمن را صادر کرد. بخشی ترکمن که خود را در یک قدمی مرگ می‌دید تمام وجودش را در پنجه‌هایش متمرکز کرد و فی‌البداهه آهنگی نواخت و با اشعاری که آن‌ها را نیز فی‌البداهه سروده بود آخرین آهنگش را نواخت. او این آهنگ را چنان با سوز و گداز اجرا کرد که شجاع‌الدوله را منقلب نمود. وی در انتهای هر بخش از کلامش «سرکار جان» می‌گفت. سرکار جان عنوان احترام‌آمیز شجاع‌الدوله بود. اجرای آهنگ سرکار جان که به زبان ترکمنی خوانده شد تا آن اندازه شجاع‌الدوله را تحت تأثیر قرار داد که از خون او گذشت و دستور آزادیش را صادر نمود و به او خلعتی گرانبها بخشید. از آن زمان به بعد بخشی‌های قوچان آهنگ دل‌نشین و در عین حال لابه‌انگیز «سرکار جان» را اجرا می‌کنند.<sup>۱۱</sup> متأسفانه شعر و کلام ترکمنی این آهنگ در تاریخ ضبط نشده و امروزه بخشی‌های قوچان و سایر نواحی این آهنگ را بدون کلام یا با شعر و کلام کردی و ترکی اجرا می‌کنند.

## ۲- آهنگ پری جان

در سال‌های پایانی حکومت قاجار که با ضعف و پریشانی حکومت مرکزی ایران همراه بود عده‌ای از گردنکشان محلی با تشکیل گروه‌های مسلح به خودسری و راهزنی

مشغول شدند. علی خان کالتمانلو جیرستانی و برادرش تیمور در زمره‌ی این یاغیان بودند که در مناطق مرزی قوچان و شیروان با اجیر چندین تفنگدار برای خود تشکیلاتی به وجود آورده و به راهزنی و باج‌گیری مشغول بودند. علی خان در مسیر رفت و آمدهای خود از وجود دختری زیبا به نام پری از طایفه کاونلو که در حد فاصل قوچان و درگز زندگی عشایری داشتند آگاه شد و مانند بسیاری از جوانان منطقه خواستگار این دختر زیبا شد و چون با مخالفت دختر و خانواده‌اش مواجه گردید دست به دامن خداویردی سردار (خدو سردار) از دیگر یاغیان منطقه قوچان شد<sup>۱۲</sup>. وی با دادن هدایایی به خدو سردار او را در حمله به بینه کاونلوها که در دره شاه‌گلدی و تندوره مستقر شده بود، با خود همراه کرد. خدو سردار و علیخان جیرستانی به اتفاق تفنگداران خود در صبحگاه یکی از روزهای بهاری سال ۱۳۰۰ هـ.خ و در زمانی که مردان کاونلو در چادرهای خود نبودند حمله خود را آغاز و توانستند پری را ربوده و از نطقه بگریزند. با آگاهی مردان و جوانان کاونلو از واقعه ربوده شدن پری گروهی از آنان به تعقیب خدو سردار و علیخان پرداختند و در درگیری با آنها ضمن دادن چندین کشته و زخمی شکست خورده و ناگزیر دست به دامان محمد ابراهیم خان مظفرالسلطنه روشنی زعفرانلو حاکم قوچان شدند. از آن جایی که خدو و علیخان وارد خاک ترکمنستان- که آن زمان جزو روسیه بود- شده بودند نیروهای دولتی و از آن میان نیروهای ژاندارمری قوچان و شیروان نتوانستند اقدامی انجام دهند. خدو سردار بعد از ورود به ایران در بجنورد دستگیر و در مشهد به دستور کلنل محمدتقی خان پسیان اعدام شد<sup>۱۳</sup>. بعد از اعدام خدو سردار، مردان کاونلو با همکاری علیخان بگ بیچرانلو پس از شناسایی محل استقرار علیخان کالتمانلو وارد خاک روسیه شدند و پس از درگیری و کشته شدن این فرد توسط پری کاونلو، به این آدم‌ربایی خاتمه دادند. پری کاونلو که شاهد از خود گذشتگی جوانان هم طایفه‌ای برای نجاتش شده بود

پیشنهاد داد که برای احترام به تمامی خواستگاران‌ش به قید قرعه به ازدواج یکی از آن‌ها در آید که اتفاقاً قرعه به نام فقیرترین آنان یعنی خداد چوپان در آمد و بقیه خواستگاران با کمک‌های مالی خود زمینه ازدواج پری را با خداداد چوپان فراهم ساختند. ماجرای اسارت و سپس آزادی پری کاویانلو تا آن اندازه مورد توجه مردم بود که بخشی‌های منطقه در وصف شجاعت و زیبایی و از خود گذشتگی او شعرها سرودند و آهنگ‌ها ساختند. یکی از این آهنگ‌ها، آهنگ دلشین و پر آوازی «پری جان» است که توسط حجبی اولاشلو هنرمند قوچانی ساخته شده است: دله منی پر ملوله پر ملوله / پری برن ژه رسوله / کاره پری هین و طوله پری جان / پری برن ناو زاوانه ناو زاوانه / شرقه شرقی پینج تیرانه / له سر پرییه بو طوفانه پری جان...<sup>۱۴</sup>

### ۳- آهنگ مرجان

این آهنگ که در نواحی مختلف خراسان به اسامی مختلفی معروف است یکی از غمگین‌ترین آهنگ‌های موسیقی شمال خراسان شمرده می‌شود. داستان این آهنگ به جنایت ژاندارم‌های منطقه چناران در اوایل عصر رضا شاهی بازگشت می‌کند. در یکی از آن روزها ژاندارم‌ها در حومه یکی از روستاهای بین قوچان و چناران به زنی به نام پریشان و دختر خردسالش به نام مرجان برخورد کردند. آن‌ها در کمال بی‌شرمی به این زن جوان تجاوز کردند. پریشان که قدرت تحمل این مسئله را نداشت در مسیر بازگشت بعد از بوسیدن روی دخترش مرجان او را به سراغ پدرش که مردان نام داشت فرستاد و سفارش کرد که چون از رمق افتادهاام قدرت حرکت کردن ندارم. او پس از فرستادن مرجان به سمت پدر با فرو کردن دهنه‌ای در قلب، مرگ را بر زندگی ننگین ترجیح داد و خود را کشت. مردان پس از دیدن پیکر بی‌جان همسر تصمیم به انتقام خون او گرفت و پس از رها کردن کار و زندگی سرانجام موفق به کشتن دو ژاندارم متجاوز شد. وی سپس همراه



با دخترش مرجان به کوهها پناه برد و تا چند ماه دور از چشم مأموران دولت که سخت دنبال او بودند، زندگی کرد. وی در آستانه عید نوروز مخفیانه به خانه یکی از دوستانش به نام کربلایی علی در چناران آمد و لباس‌های نوی برای دخترش مرجان خرید و به او پوشاند. مأموران دولت که همه جا در تعقیب او بودند از محل اختفای او آگاهی یافتند و آنها را که بر روی تنور کلبعلی نشسته بودند تا خود را گرم کنند، مشاهده کردند. ژاندارم‌ها نخست مرجان را در مقابل چشمان پدر هدف قرار دادند و با شلیک گلوله او را به داخل تنور آتش انداختند و بعد از آن مردان را گلوله باران کردند که او هم به داخل تنور افتاد و بدین گونه دختر و پدر در آغوش یکدیگر در تنور جان دادند و به مادر و همسر غیرتمند خود پریشان پیوستند. نابودی مظلومانه اعضای این خانواده تا آن اندازه بر مردم منطقه تأثیر گذاشت که تا سال‌ها بر سر زبان مردم بود. هنرمندان و بخشی‌ها نیز در سوگ مرجان و از زبان پدر او مردان در آخرین لحظات حیات اشعار و آهنگ‌هایی ساختند که آهنگ آهنگ مرجان یکی از آنهاست. این آهنگ را شادروان اسماعیل ستارزاده قوچانی به دو زبان کردی و فارسی به شیوه بسیار جالبی اجرا کرده است:

مرجان مرجان کچکی من / یادگاری ژنکی من / له خوینی مای کچکی من / کچکا منه  
چنارانی / گولا سوییز له دمانی / تندوره ئیره کلوعلی / هه ستی گوشتی ته لی کلی / هرایی  
لی کلی...<sup>۱۵</sup>

#### ۴- آهنگ الله مزاره

فلسفه‌ی پیدایی این آهنگ که یکی از معروف‌ترین آهنگ‌های کرمانجی شمال خراسان است به روزگار قاجاران می‌رسد. در این دوران وجود غارتگران در شمال خراسان و به ویژه مناطق کردنشین بیداد می‌کرد. تحریکات روسیه تزاری نیز امنیت این سامان را به خطر انداخته و کسی در سفر و حضر آرامش نداشت. از این روزگار که تخت عنوان

دوران الآمانی یا ترمانی یاد می‌شود، گروهی از غارتگران از آن سوی مرزها به مردمان شمال خراسان و به ویژه ایلات کرمانج حمله می‌کردند و بعد از کشتن عده‌ای و به اسارت درآوردن زنان و مردان و کودکان بی‌گناه، آنها را در بازارهای برده فروشی خیوه و بخارا می‌فروختند.<sup>۱۶</sup> در یکی از این حملات دختری که تازه نامزد جوانی از ایل خود شده بود و عاشقانه نامزد خود را دوست داشت به اسارت در آمد. این دختر در غربت و از فراق کسان و یار تا آن اندازه گریه کرده بود که بینایی خود را از دست داده بود. این دختر مدتی بعد با حمله‌ی جوانان ایل خود از اسارت نجات یافت و به میان ایل خود برگشت. وی در همان لحظه‌ی ورود دریافت که یارش در نبرد با غارتگران کشته شده است. دختر نابینا پس از آن از پیرمردی سراغ مزار نامزدش را گرفت و پاسخ شنید که تو اگر عاشق واقعی باشی باید خودت مزار دلداده‌ات را بیابی. دختر با همان حالت زار و با وجود نابینایی قبرها را یکی یکی بویید تا سرانجام به مزار معشوق رسید و بوی یار را حس کرد. آن گاه بی‌اختیار فریاد برآورد:

الله مزاره مزاره و اچه روزگاره    الله مزاره مزاره غریب روزگاره الله مزاره مزاره عاشق

گنه کاره

مردم که شاهد این دلدادگی بودند به شدت تحت تأثیر قرار گرفتند و با خواندن این فریادها با دختر هم صدا شدند و بدین گونه آهنگ الله مزاره شکل گرفت. این آهنگ بعدها نیز بر سر مزار کشتگان ناشی از این قبیل حملات خوانده می‌شد. بعدها بخشی‌های شمال خراسان برای این آهنگ اشعار عاشقانه‌ای ساختند. آهنگ الله مزاره نخست جنبه‌ی مرثیه و سوگواری داشته ولی به مرور زمان ضمن حفظ حالت غمگنانه خود، از حالت سوگواری صرف در آمده است:<sup>۱۷</sup>

از چوچکه له له، له له، له له اله له قانات زرم

ژ آسمین دا له چاورش جان داده گرم

تا نونیم له له، له له، اله هوالو دا نا گرم

الله مزاره مزاره وای چه روزگاره آی وای چه روزگاره چاورشه غریو را هگذاره

آی<sup>۱۸</sup>

## ۵- مقام لو

«لو» یکی از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین مقام‌های موسیقی شمال خراسان است. گفته شده هر کس می‌خواهد کرمانج بودن خود را ثابت کند باید توانایی خواندن این مقام را داشته باشد.<sup>۱۹</sup> لو در معنای قدیمی مفاهیمی همچون: ای جوان، فرد ناشناس، واسطه‌ی جواب نامفهوم و در برابر پرسش و چرا به کار می‌رفته و در معنی و مفهوم موسیقایی نیز برگرفته از ترکیب «لوره» به معنای آواز و ترانه بوده است. امروزه نیز «لو» به عنوان یکی از مقام‌های مشهور و پرمعنای موسیقی شمال خراسان شناخته می‌شود.<sup>۲۰</sup> فلسفه پیدایی این آهنگ که بیشتر جنبه‌ی عرفانی دارد بنا به روایتی به داستان شعله‌های عشق مجازی چوپانی نی نواز بر می‌گردد. هنگامی که شعله‌های این عشق وجود شبان را احاطه و اشتیاق وصل او را بی‌تاب می‌کند، سوز و دردش را در نی می‌دمد و حدیث دل را از زبان نی با سگ وفادارش «بویناق» در میان می‌گذارد. نی و سگ تنها موجوداتی هستند که می‌توانند چوپان را درک کنند. شبان عاشق با امید به دیدار یار، گله گوسفند را به بویناق می‌سپارد و چون دیدار یار برایش میسر نمی‌شود دل افسرده‌تر از هر زمانی نزد گله باز می‌گردد و می‌بیند که گرگ‌ها در هجومی گسترده بر گله‌ی گوسفندان تاخته و بویناق را که جانانه مشغول امانت دارای بوده، دریده‌اند. چوپان که وضع را چنین می‌بیند غمناک‌تر از هر زمان دیگر لب بر لب نی می‌گذارد و لو را می‌آفریند:<sup>۲۱</sup>

های ارمان، ارمان، ارمان، ارمان

سر چپیه وه ره روه‌های نیچیره اول سووه کوه

مده مران، شوره مصری، ژنک مقبول، اسبک بدو درد و...

های ارمان، ارمان، ارمان، ارمان

گل هواله من خیالک دن کر، گل باغین ترکاند چوو گل شیلان بین کر

های جانی سمن ترکاند، یا و ویه سر گر زین کر درد<sup>۲۲</sup> و... بویناقا، بویناقا، بویناق.

لو از مقام‌هایی است که کلام تصنیفی کم دارد ولی آوازش زیاد است و چوپان با همین آواز و کلام اندک پیام خود را به گوش مخاطب می‌رساند. امروزه مقام لو در بین کرمانج‌های کوه‌نشین علاوه بر دارا بودن سوز و آه دل عاشقان، جنبه‌ی پیام‌رسانی هم دارد.<sup>۲۳</sup> در مورد مقام «لو» علاوه بر نظرات ذکر شده قریب به هفتاد روایت دیگر هم نقل شده است که به رغم همهی تفاوت زیر ساخت و موضوع در همهی این روایت‌ها مشترک است.<sup>۲۴</sup>

## ۶- مقام گرایلی

مقام گرایلی در اسفراین به «زارنجی» در قوچان به «گرایلی» و در ترکمن صحرا به «کج فلک» مشهور است و در بین کرده‌ها، ترک‌ها و ترکمن‌های شمال خراسان با اندک تفاوتی نواخته می‌شود.<sup>۲۵</sup> عنوان این آهنگ منسوب به ترک‌های گرایلی است که در آستانه‌ی یورش مغولان به مناطقی از شمال خراسان و از آن میان قوچان کوچیده بودند.<sup>۲۶</sup> به احتمال زیاد زمینه‌های پیدایی این آهنگ با سنت‌های اجتماعی ترکان گرایلی ساکن در قوچان در پیوند است. خوانده شدن کلام این مقام به زبان ترکی نیز می‌تواند تا اندازه‌ای موید این فرضیه باشد. فلسفه‌ی پیدایی این مقام نیز با روایت‌های عامیانه در هم آمیخته و جنبه‌ی داستانی به خود گرفته است. بر مبنای یکی از این روایت‌ها که محمد یگانه هنرمند برجسته‌ی قوچانی آن را حکایت کرده است، داستان شکل‌گیری این مقام در صدها سال

پیش به یکی از سنت‌های اجتماعی مردمان این خطه بازگشت می‌کند. مطابق این سنت و رسم کهن مردمان مردم قوچان، وقتی جوانی زمان دامادیش فرا می‌رسیده می‌بایستی برای اثبات شجاعت خود، صبح روز مراسم دامادی به تنهایی برای شکار به کوه و یا جنگل می‌رفته و تا غروب صیدی با خود می‌آورده است. در یکی از مراسم، داماد صبح روز موعود با بدرقه اهالی روستا که با ساز و آواز نیز همراه بود عازم شکار شد. او در طول روز موفق به صید شکار نشد و از آنجا که دست خالی برگشتن را ننگ می‌دانست تصمیم گرفت که شب را به امید یافتن شکار در جنگل بماند. از قضا شب هنگام با پلنگی گرسنه روبرو شد و در نبردی سخت بر پلنگ پیروز شد. سپس حیوان را کشته و پوست او را کند و برای فرار از سرمای شب آن را به دور خود پیچید و در خواب فرو رفت. از سوی دیگر با فرا رسیدن شب، اقوام داماد از تأخیر او نگران شدند و مشعل به دست به سمت کوه و جنگل حرکت کردند. آنها پس از ساعت‌ها جستجو از دور پلنگی را مشاهده کردند که در کناری صیدی خونین به خواب رفته است. آنها تصور کردند که پلنگ داماد را کشته و بعد از خوردن قسمت‌هایی از بدن او - طبق عادت پلنگ‌ها - در کنار بقایای پیکر داماد به خواب رفته است. لذا با خشم تمام پلنگ موصوف را تیر باران کردند ولی وقتی نزدیک‌تر شدند پی به عمق فاجعه یعنی قتل داماد شجاع بردند. این داستان غم‌انگیز زمینه ساز پیدایی این مقام شد که به مقام گرایلی یا گریه لیلی معروف است.<sup>۲۷</sup>

## ۷- آهنگ های های رشیدخان

آهنگ رشیدخان که در زمره‌ی آهنگ‌های مورد علاقه‌ی مردم ایران است به سبک‌های مختلف و توسط هنرمندان متعدد اجرا شده است. این آهنگ در سوگ درگذشت امیرحسین خان شجاع‌الدوله حاکم وقت قوچان و ایلخان کردهای زعفرانلو ساخته شده است.<sup>۲۸</sup> امیرحسین خان شجاع‌الدوله پسر رضا قلی خان ایلخانی از رجال مشهور ایران در

عهد ناصری بود. وی به دنبال معاوضه روستای آباد فیروزه - سکونتگاه تیره‌ای از کردان جلالی - با زمین‌هایی نامرغوب در دشت مغان با روس‌ها، به دستور ناصرالدین شاه مأموریت یافت تا رسماً فیروزه را به روسیه تحویل دهد.<sup>۲۹</sup> امیرحسین خان که در سن هشتاد سالگی انجام این مأموریت را خیانتی بزرگ تلقی می‌کرد، آروز کرده بوده که در این مأموریت ناکام باشد<sup>۳۰</sup> که همین گونه هم شد. وی در روز یازدهم ربیع الاول ۱۳۱۱ هـ ق در فاروج به علت درگیری اسبش با اسب امین نظام به شدت زمین خورد و به علت صدمات وارده درگذشت<sup>۳۱</sup>. مردم قوچان که امیرحسین خان را مقتدرترین ایلخان زعفرانلو در طول حاکمیت این ایل می‌دانستند از شخصیت او تجلیل شایانی به عمل آوردند. آنان در مراسم تشییع جنازه اسب سیاه او را سیاه پوش کرده و پیشاپیش جنازه حرکت می‌دادند. هنرمندان قوچانی نیز در رثای حاکم مقتدر خود اشعاری سرودند که سروده‌ی های های رشیدخان، سردار کل قوچان یکی از آنها بود:<sup>۳۲</sup>

هه سپی ره شه بی خادیه مه داغ دار کرهای  
دوشمه ن له مه شاکر و مه خاروزار کرهای  
قوچان بی خادیی کر و مه خاکسار کر وای  
های های رشید خان سردار کل قوچان  
فاروج خه راوه لی لو، قوچان خرراوه جان  
وا دردی له مه که تی تو چاره ناوه های  
های های رشید خان، سردار کل قوچان...<sup>۳۳</sup>

این آهنگ که ابتدا برای سوگواری بوده، بعدها به آهنگی شاد تبدیل شد<sup>۳۴</sup> و امروزه در زمره‌ی آهنگ‌هایی است که برای رقص یک قرصه نواخته می‌شود.

## ۸- آهنگ سردار عیوض (ئیوض) خان

آهنگ سردار عیوض خان یکی از حماسی‌ترین آهنگ‌های موسیقی مقامی قوچان و شمال خراسان شمرده می‌شود. فلسفه‌ی پیدایی این آهنگ به سال‌های پایانی پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار برمی‌گردد. به دنبال انعقاد معاهده آخال بین ناصرالدین شاه و روسیه‌ی تزاری و سپس توافق‌های ضمنی، منطقه‌ی کردنشین و آباد فیروزه- واقع در حومه‌ی عشق‌آباد پایتخت کنونی ترکمنستان- به روسیه واگذار شد.<sup>۳۵</sup> کردها زیر بار این قرارداد نرفته و شروع به اعتراض کردند. اعتراضات آنها نتیجه‌ای نبخشید و روس‌ها به زور فیروزه را اشغال کردند و در یک حرکت نمادین مساجد آنجا را به طویله‌ی اسبان خود تبدیل نمودند. گروهی از خانوارهای جلالی از بیم سیطره‌ی تزارها به مناطق مرزی شیروان و قوچان مهاجرت کردند و بعضی با تشکیل گروه‌های پارتیزانی جنگ با روسیان اشغالگر را در پیش گرفتند.<sup>۳۶</sup> فرمانده این معترضین نخست محمد دوردی خان از تیره‌ی بگان ایل جلالی بود و بعد از قتل او پسرعمویش سردار عیوض خان رهبری مبارزین را برعهده گرفت. مبارزه کردن جلالی با روس‌ها تا سال ۱۳۱۱ هـ.ق به مدت ۱۲ سال ادامه داشت. سردار عیوض خان بعد از مدتی مقاومت در محاصره‌ی روسیان قرار گرفت و به رغم مشکلات فراوان حاضر به تسلیم نشد و تا آخرین نفس جنگید و سرانجام در راه هدف خود کشته شد. داستان مقاومت و از خودگذشتگی سردار عیوض خان تأثیر زیادی بر توده‌های مردم به جای گذاشت. بخشی‌ها و شاعران شمال خراسان در سوگ و بزرگداشت سردار عیوض خان شعرها سرودند و آهنگ‌ها ساختند. اشعاری که تحفه گل همسر مبارز سردار محمد دوردی خان در سوگ سردار عیوض خان سروده در زمهره‌ی معروف‌ترین این آهنگ‌ها است:<sup>۳۷</sup>

سرداران به ره ف بوون مصلحت کرن

له فه کی ئاغوزان خیر و شر کرن

هه سب و قاطر کوشتن و ده وه پی کرن

دادانه توفانگان و سه ننگه چی کرن

نامراد و پرئه رمان، سردار ئیوه ز خان...<sup>۳۸</sup>

## ۹- آهنگ لی یاره

فلسفه‌ی پیدایی این آهنگ به داستان دلدادگی دو جوان عاشق به نام‌های بهمن و گلنار برمی‌گردد. در روزگاری که احتمالاً نیمه‌های سلطنت قاجاران بوده، غارتگران آن سوی مرزها طی یک شیخون به کردهای مناطق شمالی قوچان و شیروان، مردان بسیاری را کشته و مجروح کردند و زنان و کودکان و دختران را به اسارت بردند. در این واقعه گلنار نامزد عقد کرده‌ی بهمن نیز در زمره‌ی اسرا بود. بهمن که چوپان یکی از گله‌های گوسفند طایفه‌ی باجیانلو بود بعد از آگاهی از این فاجعه دیوانه وار به دنبال یار خویش به راه افتاد و این در حالی بود که نگار دست بسته‌ی او فرسنگ‌ها دور شده و در بازارهای برده فروشی فرارود فروخته شده بود. بهمن که تا پایان عمر هیچگاه نتوانست عشق خود را فراموش کند به چوپانی آواره در دل کوه و صحرا مبدل شد. وی روزها بر روی خاک تیره‌ی گور خیالی یار می‌نشست و غمگانه نی هفت بند خویش را می‌نواخت و تلاش می‌کرد با ناله‌های جگرسوز خود پیام پایداری‌اش را در راه عشق به دلدارش گلنار برساند. آهنگی که بهمن در فراق یار می‌نواخت و کلامی که به یاد گلنار می‌خواند زمینه ساز شکل‌گیری آهنگ معروف لی یاره شد. این آهنگ امروزه به عنوان برگی درخشان در ادبیات و موسیقی کرمانجی شمال خراسان خودنمایی می‌کند و مرتباً در مجالس و محافل توسط هنرمندان خوانده می‌شود. کلام این آهنگ حکایت از سینه‌ی پر داغ یک جوان عاشق دارد.<sup>۳۹</sup>



ئه ز کوه ئیرو پر غمگینم لی یاری، لی یاری، لی یاری  
 چا و له بینان ده گه رینم گو لناری  
 نیشان ژه ته ئه ز نا وینم لی یاری، لی یاری، لی یاری  
 ژه تلودا ورکت سه ری ال‌امین و سیاری  
 ترممان را وو ژه یوموتو سومباری  
 جایلان کوشتن، ژنان گرتن لی یاری  
 هیسیر کردن برنه خیوه  
 بوخاری وان فریتین له کو و چانو بازاری  
 نام وه سه ری ته چی هانین لی یاری گولناری...<sup>۴۰</sup>

#### ۱۰- تورغه

آهنگ تورغه از دیگر آهنگ‌های مطرح و مشهور و پرطرفدار در شمال خراسان است. تورغه پرنده‌ای کوچک است که در میان گندمزارهای شمال خراسان زندگی می‌کند. این پرنده پس از بازکردن تخم‌هایش و نگهداری و مراقبت چند هفته‌ای از جوجه‌ها، پرواز کردن را به آنها می‌آموزد. این آهنگ مراحل پرواز جوجه‌ها را بیان می‌کند. جوجه‌ها در مرحله‌ی اول پرواز، پرواز کوتاهی داشته و سپس به زمین می‌افتند اما در پروازهای بعدی و مراحل بعدی کمی اوج می‌گیرند و نهایتاً در آخرین پرواز اوج کامل گرفته و برای همیشه از مادر خود جدا می‌شوند. آغاز آهنگ تورغه با زمین افتادن جوجه‌ها هماهنگ است و با اوج گرفتن جوجه‌ها آهنگ نیز اوج می‌گیرد و ریتم نواختن آن تندتر می‌شود. نقطه اوج این آهنگ زمانی است که جوجه‌ها در آخرین تمرین پروازی خود با مادر خداحافظی می‌کنند. این آهنگ از یک سو بیانگر شادی این پرنده به خاطر موفقیت در امر

پرواز کردن است و از سوی دیگر نشان دهنده غم مادر به خاطر جدایی همیشگی فرزندان<sup>۴۱</sup>.

از این آهنگ تعبیرهای عرفانی متعددی نیز ارائه شده است. در باور اهالی موسیقی شمالی خراسان، تورغه عاشق‌ترین پرندگان است. این پرنده‌ی فرخنده بال که عاشق دیدار جمال یار است پس از رنج‌های فراوان هزار و یک اسم الهی را می‌آموزد و با استفاده از آموزه‌های معرفتی تا دیار دوست بال می‌زند و جلوه‌ای از جمال یار می‌گردد. در باور عامیانه دیگری، تورغه از مرغانی معرفی می‌شود که در دربار سلیمان نبی حضور داشته و از سرچشمه‌ی فیض سلیمانی بهره‌ها گرفته است. این مرغ عاشق‌تر از هر زمانی شیفته‌ی دیدار یار می‌شود. سلیمان به تورغه یادآور می‌شود که باید هزار و یک رذیله اخلاقی را از خود دور کرده و هزار و یک اسم الهی را بیاموزد تا در این صورت بتواند اوج را پیدا کرده و به دیدار نایل شود. تورغه مسیر پرمخاطره‌ی پرواز تا اوج را بر می‌گزیند، سلیمان در آخرین مرحله به او می‌آموزد که برای رسیدن به یار باید نیست شود و از عدم آغاز کند. تورغه بال می‌گشاید و بال می‌بندد و با هر بال زدن اسمی از اسماء الهی را می‌برد و این پرواز تا آستانه‌ی حضور و دیدار جمال دوست تداوم می‌یابد اما در آستانه‌ی نورانیت جمال از بیان هزار و یکمین اسم باز می‌ماند و هبوط می‌کند. این حرکت بارها تکرار می‌شود و در هر پرواز پری از پرهای پرواز او می‌ریزد. به گونه‌ای که دیگر در بال‌های تورغه پری برای پرواز نمی‌ماند و در این جا سلیمان به او یادآور می‌شود که اکنون به مرحله عدم رسیده است و بالاخره سیر و سلوکی دیگر و ذکر هزار و یکمین اسم و پروازی بی‌فروود و بی‌هبوط.

توازن شیرین، آهنگین و عرفان مدار این داستان و الهام حاصل از آن با هنر نوازندگان خوش قریحه در هم آمیخته و یک آهنگ روحانی با نام تورغه را که به شیوه‌ای بدیع و

سرشار از ملاحظت و زیبایی نواخته می‌شود، پدید آورده است. تورغه اصولاً با قوشمه نواخته می‌شود و دارای دو اوج، دو فرود و اوجی شیوا در پایان است.<sup>۴۲</sup>

تورغه از معدود آهنگ‌های شمال خراسان است که بدون کلام نواخته می‌شود. این آهنگ علاوه بر قوشمه با دوتار هم نواخته می‌شود. تورغهی نواحی سرحد با کوک کردی و تورغهی منسوب به آبادی گلپان از توابع شیروان با کوک ترکی<sup>۴۳</sup>.

### ۱۱- آهنگ درنا

آهنگ درنا یکی از دلنشین‌ترین آهنگ‌های موسیقی شمال خراسان است. داستان پیدایی این آهنگ مطابق روایت حشمت الله طاهری به آخرین لحظات زندگی یک دوتار نواز عاشق شمال خراسانی برمی‌گردد. این هنرمند در هنگام مرگ سازش را طلب می‌کند و برای آخرین بار پنجه بر سیم‌های دوتارش می‌نوازد، در همان حال درناهایی در بالای سر او در پرواز بودند. نوازنده در کلام خود خطاب به درناها می‌گوید که پیام مرا به معشوقم برسانید. درناها در حرکتی حیرت‌انگیز و تحت تأثیر ساز و کلام این عاشق به زمین می‌آیند و بدین سان این آهنگ به نام درنا معروف می‌شود.<sup>۴۴</sup> در روایتی دیگر درنا نام دختری بوده که با جوانی کرمانج عاشق و معشوق یکدیگر بوده‌اند. خانواده‌ی دختر که با این ازدواج مخالف بوده‌اند برای گسستن رشته‌ی این عشق مرتب جای خود را در کوه و جلگه عوض می‌کنند. جوان عاشق به دنبال درنا به هر جایی می‌رود و سرانجام او را در حالی می‌یابد که خانواده‌اش او را به اجبار به همسری فرد دیگری در آورده‌اند:

چو مه چیان چیان سارکر	هاتمه جلوگه مالان بارکر	غریویه له من کارکر
یار من نزانه از شو انم	له ور کریه میانم	سرگردانک له وی چیانم
کچکان بیدل مزوجین	ایمانه خامشوتین	له وی دنیا ره ناوینین
ها لیلی لیلی لیلانه	واهنگ هنگ درنه جانه	درنه برنه گلستانه

یارمه نزانه لوارمه ژه چاورش خا بزدیامه عاشقم ژ راه شیدامه<sup>۴۵</sup>  
 آهنگ درنا در مجموعه شب، سکوت، کویر استاد محمدرضا شجریان الهام بخش  
 آهنگ معروف بارون بوده است.

## ۱۲- مقام کوراوغلی

مقام کوراوغلی از دیگر مقام‌های موسیقایی رایج در بین ترکمن‌ها و ترک، و کرد های  
 های قوچان است. امروزه منظومه‌ی حماسی کوراوغلی از آناتولی تا ترکستان گسترده  
 است. در این داستان اگرچه همه‌ی ترک زبانان در بسیاری جهات مشترک هستند ولی در  
 هر منطقه تغییراتی در آن به وجود آورده‌اند.<sup>۴۶</sup> وسعت منطقه‌ی انتشار داستان کوراوغلو و  
 علل دیگر سبب شده که پژوهندگان مختلف، سابقه‌ی تاریخی کوراوغلو را به ادوار پیش  
 از اسلام برسانند.<sup>۴۷</sup> گروهی از بخش‌های ترکمن کوراوغلو را قهرمانی از قوم ترکمن می‌دانند  
 و بر این باورند که سیر برخی از حوادث این نقل در سرزمین‌هایی اتفاق افتاده که محل  
 استقرار چادرنشینان و طوایف این قوم است. از نظر ساختار موسیقایی نیز اجرای نقل ترکمنی  
 کوراوغلو با نمونه‌ی ترکی آن از تفاوت‌های اساسی در فرم نغمه و آواز برخوردار است.<sup>۴۸</sup>  
 یکی از محققان ترکمن درباره داستان کوراوغلو می‌نویسد:

«در سرزمین چارواغلی چانده بیل که از هر طرف محصور در کوه‌های سر به فلک  
 کشیده است، زن آدی بگ که باردار بود، چشم از جهان فرو می‌بندند. روزی چوپان گنجیم  
 بگ پسر بزرگ سلطان چانده بیل که هر روز در حوالی قبرستان مشغول چوپانی بود  
 متوجه می‌شود که پسرکی پرپشم و مو از قبر زن بیرون می‌آید و از بز می‌خورد و  
 دوباره در قبر می‌خزد. چوپان خبر به شهر می‌برد. پسر را با ترفندهایی می‌گیرند و چون از  
 دنیای تاریکی به روشنایی آمده است کوراوغلو می‌نامند. براساس یک سنت قدیمی ترکمن  
 کوراوغلی در هفت سالگی به مکتب خانه می‌رود و پدر بزرگش او را با بازی‌های کودکانه

اما رزمی آشنا می‌کند [او همواره] طرف بازیکنان ضعیف را می‌گیرد و بچه‌های توانگر را به باد کتک می‌گیرد. کوراوغلو اغلب ادامه دهنده‌ی راه پدر و پدربزرگش بود که هر دو آدم دنیا دیده‌ای بودند. شجاعت و شهامت، عشق به ایل و وطن و مردانگی از خصایل اخلاقی کوراوغلو است.<sup>۴۹</sup>

کلیم الله توحیدی پژوهشگر تاریخ و فرهنگ کردهای شمال خراسان بر این باور است که مقام کوراوغلو از کرداوغلو گرفته شده و در سه شکل متفاوت نواخته می‌شود. کوراوغلو در مجموع نه برای مقاصد و منافع شخصی بلکه برای آرمان ایل و در راه غیرت و آبادی و فراغت خاطر ایل در مقام یک قهرمان مردمی جلوه‌گر می‌شود. بدین جهت در مقام موسیقایی کوراوغلو با نواختن دوتار توسط بخشی بر حسب و حال حماسی داستان می‌افزاید و با شیوه‌ی نقالی او شنوندگان را به لحظه‌ی وقوع حادثه می‌برد.<sup>۵۰</sup>

## نتیجه‌گیری

موسیقی مقامی قوچان با محوریت موسیقی بالنده و غنی کرمانجی شمال خراسان در برگیرنده‌ی مقام‌ها و آهنگ‌های بسیار متنوع، دلنشین و زیبایی است که مشابه آن را در پهنه‌ی جغرافیایی ایران کمتر می‌توان مشاهده کرد. این مقام‌ها که شناخته شده‌ی آنها حدود ۴۰۰ مورد را در بر می‌گیرد حکایت‌گر داستان‌هایی شورانگیز در اشکال حماسی، عاشقانه و اجتماعی مردم این سرزمینند. در درون این آهنگ‌ها و مقام‌ها درده، آرزوها، ناامیدی‌ها، مصائب، ناکامی‌ها و در مجموع هویت ملی و حافظه‌ی تاریخی مردم قوچان نهفته است. بررسی پیشینه تاریخی، فلسفه پیدایی و شرح و تفسیر این مقام‌ها و آهنگ‌ها و نیز شناخت آهنگ‌ها و ادوات موسیقی و نیز نوازندگان سازهای مختلف ضرورتی است که امروزه بر علاقه‌مندان وادی هنر و فرهنگ کاملاً نمایان است. با توجه به اینکه موسیقی مقامی قوچان بسیار گسترده و متنوع است و با عنایت به این نکته که فرهنگ بومی قوچان و در مجموع شمال خراسان بزرگ هنوز به شکل جدی و عمیق تدوین نشده ضرورت دارد اهل تحقیق دامن همت به کمر بسته و دایره‌المعارفی را با همکاری نهادهای فرهنگی تدوین نمایند.

## یادداشت‌ها

- ۱- بورکهارت، تیتوس، مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی، به کوشش دفتر اطلاعات دینی هنری، زیر نظر علی تا جد لینی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۵۶.
- ۲- دانشور، سیمین، شناخت و تحسین هنر، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵، ص ۲۹.
- ۳- حاجتی، نریمان، بنیان‌های نظری موسیقی ایران، تهران، سحر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.
- ۴- درویشی، محمدرضا، از میان سرودها و سکوت‌ها، تهران، ماهور، ۱۳۸۰، ص ۱۲۸.
- ۵- روزنامه خراسان، شماره ۱۷۷۰۳، پنجشنبه ۸/۸/۸۹، ص ۷.
- ۶- درویشی، محمدرضا؛ توحیدی، کلیم‌الله، موسیقی شمال خراسان، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۵.
- ۷- یوسف زاده، آمنه، «روایت در نقشمایه رامشگران خراسان»، مجله بخارا، سال اول، شماره ۶، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱.
- ۸- مصطفایی، نظر محمد، مقدمه‌ای بر موسیقی ترکمن، تهران، مولف، ۱۳۷۸، ص ۴۳.
- ۹- درویشی، از میان سرودها و سکوت‌ها، ص ۱۵۷.
- ۱۰- درویشی، محمدرضا، دایره‌المعارف سازهای ایران، تهران، ماهور، ۱۳۸۰، ج اول، ص ۱۵۲.
- ۱۱- توحیدی (کانیمال)، کلیم‌الله، هزار و یکشب کرمانج خراسان فلسفه شعر و موسیقی کرمانج، مشهد، مؤلف، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷-۱۶۶؛ و نیز مصاحبه محمد توحیدی با رحیم خان بخشی در رادیو کرمانجی خراسان (لوح فشرده ضمیمه کتاب فوق).
- ۱۲- برای اطلاع بیشتر از سرنوشت خداویردی سردار ر.ک: متولی حقیقی، یوسف، خراسان شمالی تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان شمالی از آغاز تا انقلاب اسلامی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸-۱۰۶.
- ۱۳- متولی حقیقی، یوسف، از تبریز تا مشهد پژوهشی پیرامون زندگانی و قیام کلنل پسیان در خراسان، مشهد، بانک قلم، ۱۳۸۰، ص ۵۹.
- ۱۴- اطلاعات مربوط به آهنگ پری جان از صفحات ۸۴ تا ۱۰۴ کتاب هزار و یک شب کرمانج تألیف کلیم‌الله توحیدی تلخیص شده است.
- ۱۵- توحیدی، هزار و یک شب کرمانج، ص ۸۲-۷۸.

- <sup>۱۶</sup> - برای اطلاع بیشتر از این درگیری‌ها رک: توحیدی، کلیم‌الله، حرکت تاریخی کرد به خراسان، مشهد، مولف، ۱۳۷۱، ج اول، ص ۳۶۵-۳۷۴، ج سوم، ص ۱۸۳-۲۸۱ و نیز: متولی حقیقی، یوسف، خراسان شمالی، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۷، ص ۱۷۱-۱۵۵.
- <sup>۱۷</sup> - متولی حقیقی، یوسف، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان و معرفی برخی آهنگهای آن»، ماهنامه اسفراین، سال اول، شماره ۷، دی ماه ۱۳۷۶، ص ۷.
- <sup>۱۸</sup> - نوروزی، نوروز علی، همراز با نواهای شاه جهان، تنظیم احمد عضدی، بجنورد، عضدی، ۱۳۸۵، ص ۲۳-۲۵.
- <sup>۱۹</sup> - درویشی؛ توحیدی، موسیقی شمال خراسان، ص ۵ و ۳۰.
- <sup>۲۰</sup> - اردلان، حمیدرضا، موسیقی خراسان، تهران، انجمن موسیقی ایران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.
- <sup>۲۱</sup> - رستمی، مهدی، «جلوه‌های داستانی در موسیقی شمال خراسان»، فرهنگ خراسان، سال دوم، شماره هفتم و هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۳۴.
- <sup>۲۲</sup> - نوروزی، همراز با نواهای شاه جهان، ص ۴۵.
- <sup>۲۳</sup> - چمنی، شیرین، «بررسی سیر تاریخی موسیقی مناطق و نواحی شمال خراسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۳۱.
- <sup>۲۴</sup> - رستمی، «جلوه‌های داستانی در موسیقی شمال خراسان»، ص ۱۰۴.
- <sup>۲۵</sup> - نوروزی، همراز با نواهای شاه جهان، ص ۱۰۹.
- <sup>۲۶</sup> - متولی حقیقی، یوسف، «در مهاجرین و عناصر جمعیتی اسفراین»، ماهنامه جاده ابریشم، شماره ۲۰، فروردین ۱۳۷۹، ص ۴۵.
- <sup>۲۷</sup> - متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان و...»، ص ۷ و نیز: نوروزی، همراز با نواهای شاه جهان، ص ۱۰۸-۱۰۷؛ کلیم‌الله توحیدی پیدایی مقام زرنجی یا گرایلی را با قحطی سال ۱۲۸۸ قمری در قوچان مرتبط می‌داند. به نقل از: درویشی و توحیدی، موسیقی شمال خراسان، ص ۳۰.
- <sup>۲۸</sup> - یوسف متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان و...»، ماهنامه اسفراین، سال اول، شماره ۸، بهمن ۱۳۷۶، ص ۸.
- <sup>۲۹</sup> - اعتماد السلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، ص ۹۱۲.
- <sup>۳۰</sup> - توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج سوم، ص ۱۰۸.



- ۳۱- اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۱۲.
- ۳۲- متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان»، ص ۸.
- ۳۳- توحیدی، «حرکت تاریخی کرد به خراسان»، ج سوم، ص ۱۱۲.
- ۳۴- درویشی و توحیدی، موسیقی شمال خراسان، ص ۴.
- ۳۵- برای اطلاع بیشتر از مبارزات کردهای جلالی علیه روسیه ر.ک: توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج سوم، ص ۲۲۳-۲۴۹.
- ۳۶- رستمی، «جلوه های داستانی در موسیقی شمال خراسان»، ص ۱۳۶.
- ۳۷- متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان»، ص ۷.
- ۳۸- برای آگاهی بیشتر از سروده هایی که در سوگ سردار عیوض خان و سایر مبارزان کرد جلالی سروده شده ر.ک: توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج سوم، ص ۲۳۸-۲۳۵.
- ۳۹- توحیدی، حرکت تاریخی کرد به خراسان، ج سوم، ص ۲۸۴-۲۸۱؛ متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان»، ص ۸؛ رستمی، «جلوه های داستانی در موسیقی شمال خراسان»، ص ۱۳۸.
- ۴۰- توحیدی، همان جا، ص ۲۸۵-۲۸؛ نیز: متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان»، ص ۷.
- ۴۱- متولی حقیقی، «نگاهی به موسیقی شمال خراسان»، ص ۸.
- ۴۲- رستمی، «جلوه های داستانی در موسیقی شمال خراسان»، ص ۱۳۶-۱۳۵.
- ۴۳- چمنی، «بررسی سیر تاریخی موسیقی مناطق و نواحی شمال خراسان»، ص ۱۳۵. (مصاحبه با حشمت الله طاهری).
- ۴۴- چمنی، همان جا، ص ۱۴۱.
- ۴۵- نوروزی، همراز با نواهای شاه جهان، ص ۶۸.
- ۴۶- قلیچ تقانی، آنه قربان، موسیقی حماسی ایران (مجموعه مقالات)، به کوشش محمدرضا درویشی، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶-۱۲۵.
- ۴۷- رئیس نیا، رحیم، کوراوغلو در افسانه و تاریخ، تبریز، نیما، ۱۳۶۸، ص ۱۰۳.
- ۴۸- نصری اشرفی، جهانگیر، «بررسی نقل های رایج در برخی نواحی ایران»، ماهنامه تخصصی مقام موسیقایی، سال هشتم، شماره ۲۱، اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۴۶.
- ۴۹- قلیچ تقانی، موسیقی حماسی ایران، ص ۱۲۶.
- ۵۰- مصطفایی، مقدمه ای بر موسیقی ترکمن، ص ۵۰-۴۹.

